

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

# مطالعه نقش سرمایه فرهنگی بر میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعات (ICT) (مطالعه موردی: شهروندان رشت)

نوشته

میلاد پوررجبی \*

حمیدرضا بیژنی \*\*

## چکیده

در پژوهش حاضر تأثیر سرمایه فرهنگی بر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان و نیز سنجش میزان سرمایه فرهنگی و استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان بررسی شد. روش پژوهش پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. شهروندان شهر رشت جامعه آماری این پژوهش بودند که با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر از آنها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون t، همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد. در یافته‌های پژوهش مشخص شد که سرمایه فرهنگی با میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان رابطه مستقیم و مثبت دارد، یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد، همچنین تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیر سرمایه فرهنگی بر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی معنادار است، یعنی فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی قابلیت پیش‌بینی با ابعاد سرمایه فرهنگی را دارد و سایر نتایج از ابعاد متغیرها نیز بیانگر تأثیر چشمگیر سرمایه فرهنگی بر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان است.

کلیدواژه: سرمایه فرهنگی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، بورديو، آموزش، دنیای مجازی.

## مقدمه

زندگی انسانی، در جریان تعاملات بشری شکل گرفته و در این مسیر، هر آنچه که این تعامل‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد نه تنها مهم و اثربخش که گاهی جریان‌ساز تلقی می‌شود. از اختراع واژگان، کاغذ، قلم و ... تا اختراع دستگاه چاپ گوتنبرگ و اختراع تلفن گراهام بل هر کدام به نحوی بر جریان تعامل‌های بشر تأثیر گذاشتند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۱۳۳). اما جدیدترین ابزاری که به شکل گسترده‌ای جهان را تحت تأثیر خود قرار داد و پیوند میان اطلاعات و ارتباطات را چنان مستحکم کرد که گاهی آن را یکی می‌پندارند، ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات (Information and Communications Technology) است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات، بستر تحولات عمیقی (Deep developments) در نحوه زندگی انسان‌ها شده است. جامعه اطلاعاتی (Information society) ابعاد مختلف این زندگی را به طور عمیق، تحت تأثیر قرار داده است. (Kozma, 2003; Rafta & Laferrier, 2008: 765-78; Selwyn, 2004: 341.62) این فناوری به ما امکان می‌دهد تا اطلاعات و داده‌های زیادی را جمع‌آوری کنیم، با منابع و افراد زیادی در نقاط دور و نزدیک جهان ارتباط برقرار کنیم و در ایجاد، توزیع و بهره‌برداری از دانش جهان نقش ایفاء کنیم (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۷-۵۵). همان‌طور که می‌بینیم این فناوری آشکارا امکانات وسیعی را در اختیار ما قرار می‌دهد، اما خطرهایی نیز به همراه خواهد داشت. (James Tondeur & et. al., 2011) یکی از این خطرها، نابرابری همه انسان‌ها در بهره‌برداری از این امکانات است که با اصطلاح "شکاف دیجیتال" (Digital Divide) در نظریه‌ها و کارهای علمی انجام‌شده، شناخته می‌شود. (Sparks, 2013: 27-46; cho, 2003: 46-72)

نخستین بار این اصطلاح، اواسط دهه ۱۹۹۰، در یکی از نشریه‌های رسمی ایالات متحده به کار برده شد. با این حال تا حدود سال ۲۰۰۵، در ابعاد توصیفی باقی مانده و به یک نظریه منسجم تبدیل نشده بود. (Global digital gap) شکاف دیجیتال، به تفاوت قابل توجه دو یا چند جمعیت در توزیع و بهره‌برداری مؤثر از منابع اطلاعات و ارتباطات اشاره دارد. دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، با سرعت زیادی مزایا و چالش‌های مختلفی را در زندگی ما عرضه می‌کند که داشتن یا نداشتن دسترسی به اطلاعات و ارتباطات بر نحوه زندگی اجتماعی و اقتصادی ما تأثیرگذار است. این اتفاق در ابعاد بین‌المللی رخ می‌دهد که به آن "شکاف دیجیتال جهانی" (Van Dijk, 2006: 221-235) می‌گویند و ممکن است درون یک جامعه رخ دهد که به آن "شکاف دیجیتال اجتماعی" (Social digital divide) گفته می‌شود. (Gautam, 2014: 59-63; Dubey, 2010)؛ اربطانی و کاظمی و حاج اسماعیلی ۱۳۹۳؛ زلفعلی فام و آقایی، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۷۷؛ کیان و قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۲۲-۱۰۵).

بر اساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، کمتر از ۴۴ درصد مردم جهان از اینترنت استفاده می‌کنند (Zeng, 2018) در حالی که، حدود ۲۰ درصد کاربران اینترنت جهان در آمریکای شمالی هستند، آفریقا از این میان سهم ۳ درصدی دارد (کریبر و مارتین، ۱۳۹۰: ۲۷۶) طبق گزارش‌های مخابرات بریتانیا در سال

۲۰۰۴، حدود ۷۴ درصد از بزرگسالانی که در انگلستان زندگی می‌کنند از نظر دیجیتالی محروم هستند. (British Telecom Report 2004, Antonio & Tuffley, 2014: 673-687) تحقیقات نشان داده است که ایجاد سیاست‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث اختلاف در عادت‌ها و توانایی‌های کاربرد آنها در افراد جامعه می‌شود. (Meng & Hsieh, 2013) همان‌طور که مطالعات صورت گرفته در رابطه با فناوری اطلاعات و ارتباطات، آن را یک عامل نابرابری اجتماعی و ارتباطی معرفی می‌کند؛ نشان داده است که "تقسیم دیجیتال" (Digital divide) روی بسترهای طبقاتی (Class Platforms) و سرمایه فرهنگی یک جامعه شکل می‌گیرند (Oblak Crnic, 2013: 927-949). اما این موضوع کمتر در یک چارچوب مفهومی فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفته است. (Witte & Mannon, 2010)

## بیان مسئله

استفاده از فناوری‌های جدید، زمانی بیشتر محسوس است که ما به عمق نفوذ آن در حوزه مسائل اجتماعی پی ببریم. در این زمینه محققان، بهره‌برداری از این امکانات را حتی یک نقطه تفکیک‌کننده نسلی بر شمرده‌اند و افراد را به دو دسته مهاجران (فراگیران فناوری اطلاعات و ارتباطات) و بومیان (افراد که جریان جامعه‌پذیری آنها در این بستر بوده است) تقسیم می‌کنند. (Tapscott, 1998, Prenksy, 2001: 1-6; Cameron, Bennett & Agostinho, 2011: 3392-397) البته دسته‌ای از تحقیقات جدیدتر تا حدی افراط در این موضوع را رد می‌کنند و معتقدند که این ادعاها نیازمند مطالعات تجربی بیشتری هستند. (Bennett, Maton & Kervin, 2008; Combes, 2006: 401-408) از طرفی به نظر می‌رسد، باید به وجه مهم دیگری نیز توجه شود. ما که در یک جامعه غیر غربی زندگی می‌کنیم، همچنین به لحاظ فرهنگی، در یک فرایند تاریخی طولانی مدت، تنشی همه‌جانبه با فرهنگ کشورهای صاحب امکانات و رسانه و به اصطلاح غربی داریم، باید بدانیم که تداوم ارتباط با سایر نقاط جهان، می‌تواند یک عامل مهم تغییر فرهنگی (Cultural change) باشد (گل محمدی، ۱۳۹۳: ۲۰؛ قلی‌زاده و زمانی، ۱۳۹۶: ۱۲۰-۱۰۳). البته در اینجا بحث بر سر ارزشگذاری‌ها و خوب یا بد بودن تغییر فرهنگی نیست، بلکه نکته قابل تأمل این است که بهره‌برداری از این امکانات، در صورتی که متوازن نباشد و توزیع یکسانی در گستره‌های مختلف نداشته باشد، می‌تواند در درازمدت زمینه را برای ایجاد چالش‌های فرهنگی فراهم کند. برای مثال در موضوعی همچون "شکاف دموکراتیک" (Democratic gap)، که ناشی از سایر شکاف‌ها (باسواد- بی‌سواد، شهری- روستایی، پیر- جوان و...) است، موضوع دسترسی به امکانات سایبری، بسیار قابل توجه است که عدم تقارن آن در سطح جامعه می‌تواند موجب گسترش روزافزون این شکاف شود (زلفعی فام و آقائی، ۱۳۹۳؛ کریبر و مارتین، ۱۳۹۰: ۲۸۷). از این روی بحث بر سر میزان استفاده و کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جامعه ما، به لحاظ نظری و تجربی، از اهمیت زیادی برخوردار است و توجه به ابعاد مختلف آن در ایجاد یک فهم درست از شرایط موجود بسیار حیاتی به نظر می‌رسد. پرسش‌هایی

که در این زمینه مطرح می‌شوند این است که چه عواملی در رفتار مصرف فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی تأثیرگذار است؟ فارغ از موضوع سرمایه اقتصادی، که امکان بهره‌مندی افراد را از مطامع مادی ایجاد می‌کند، نقش عوامل فرهنگی چیست؟ به طور مشخص آیا سرمایه فرهنگی بر میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیرگذار است؟ برای دستیابی به این منظور، در این مقاله از تئوری سرمایه فرهنگی بورديو استفاده خواهد شد.

### پیشینه پژوهش

در زمینه رابطه سرمایه فرهنگی و فناوری اطلاعات و انواع رفتارها و مناسبات میان زمینه‌های مؤثر در رفتار و مصرف فناوری‌های دیجیتال، پژوهش‌های خوبی در دنیا صورت گرفته و روز به روز در حال گسترش است. اما جست‌وجوهایی در مجله‌های داخلی نشان داد به جز تعداد انگشت‌شماری که بیشتر به صورت غیر مستقیم به این مبحث اشاراتی داشتند، این موضوع تا حدود زیادی نادیده انگاشته شده است.

پژوهش در زمینه رابطه جامعه و انسان‌ها با دنیای مجازی را، تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰، محققان علوم اجتماعی آغاز کردند (Wellman, 2004: 123-29) و در اواخر این دهه بود که پرسش‌های محققان در رابطه با دسترسی گروه‌های مختلف به ابزارهای دیجیتال و بحث‌های مربوط به تحصیلات و مدارک دانشگاهی و تأثیر آنها بر استفاده از این ابزارهای فناورانه آغاز شد. (Horrihan, 2007) نکته قابل توجه این است که هرگز استفاده از این ابزارها در سطح فردی محدود نبوده و بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های کلان این حوزه را، شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ تجاری و خدماتی انجام داده‌اند و گاهی تا حدود یک چهارم سرمایه‌های این شرکت‌ها به این زمینه تعلق می‌گرفت (Harvey, 2005) و حتی در پذیرش کارکنان شرکت‌ها نیز از افرادی استفاده می‌شد که در این زمینه تخصص داشتند (Castells, 2001). طبق پژوهش‌های صورت گرفته در امریکا، متغیرهای جمعیتی همچون سواد، نژاد، جنسیت و شهری یا روستایی بودن بر میزان دسترسی‌های افراد به این ابزارها، به شکل محسوسی تأثیر گذارند. (Smith, 2010)

ویت (witte, 2010) در تحقیقی با عنوان کلی "فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتباطات و بهره‌برداری از فناوری اطلاعات و رابطه آن با جوانان پرداخت. آنها در این تحقیق اطلاعات حدود ۱۲۴۰ دانش‌آموز را جمع‌آوری کردند تا ببینند آیا میان سرمایه فرهنگی و دسترسی به ابزارهای مرتبط با فناوری اطلاعاتی و نگرش‌ها و صلاحیت‌های افراد در کاربرد آنها تفاوتی وجود دارد یا نه؟ دستاوردهای این مقاله نشان داده که تفاوت معناداری میان پایگاه‌های متفاوت افراد با میزان دسترسی به این ابزارها وجود ندارد؛ اما در زمینه بهره‌برداری از این ابزارها تفاوتی، هرچند نه‌چندان چشم‌گیر، میان پایگاه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی وجود دارد.

لیوینگستون و هلسپر (2007) در تحقیقی با عنوان "کودکان، جوانان و شکاف دیجیتال"، آموزش و سواد اینترنتی را موضوع بحث خود قرار می‌دهند. آنها در مقاله خود به موانعی پرداختند که موجب کاهش و افزایش توانایی بهره‌برداری از امکانات دیجیتال می‌شوند و تلاش کردند تا زمینه‌های رشد شکاف دیجیتال را در ابعاد آموزشی و فرهنگی مورد بررسی قرار دهند. همچنین چو و همکاران (Cho & et. al., 2003) در مطالعه شکاف دیجیتال، به موضوع مهارت‌ها و انگیزه‌های فردی و تأثیرهایی پرداختند که می‌تواند در زمینه بهره‌برداری از ابزارهای دیجیتال داشته باشد.

دسته‌ای از مطالعه‌ها در مبحث استفاده از فناوری اطلاعات، ناظر بر مقوله جنسیت هستند. این موضوع به تفاوتی باز می‌گردد که در نگرش گروه‌های مختلف مردم نسبت به جنسیت وجود دارد. برای مثال نوع نگاه خانواده به دختر و پسر می‌تواند در افزایش مهارت هر کدام از جنسیت‌ها مؤثر باشد. در گروه‌هایی که نگاه به دختر به عنوان جنس دوم است، امکاناتی که در اختیار آنها قرار می‌دهند در مقایسه با گروه‌هایی که تفسیرهای دموکراتیکی نسبت به جنسیت دارند، تفاوت می‌کند. همین‌طور زمانی که فرصت‌های شغلی در محیطی بر اساس نگرش‌های جنسیتی تنظیم می‌شود، انگیزه‌های افراد در افزایش توانایی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Plomp, 1997; Looker Thiessen, 2003: 475-490; Caetano, Martin & Martinez, 2011: 127-140; Liringstone & Helsper, 2007: 671-696)

امیسون و فرو (Emmison & frow, 1998) در مقاله خود با نام "فناوری اطلاعات به عنوان سرمایه فرهنگی"، فناوری و میزان بهره‌برداری و کاربرد آن را، ابزاری برای انعکاس دیدگاه‌های نظری بورديو در زمینه سرمایه فرهنگی می‌داند. همان‌طور که بورديو در زمینه آموزش، معتقد به تمایز میان سطوح مختلف سرمایه فرهنگی بود، امروز نیز فناوری اطلاعات می‌تواند ابزار خوبی برای نشان دادن میزان سرمایه فرهنگی، در گروه‌های مختلف جامعه باشد؛ چراکه فناوری اطلاعات، خود امری دانش‌آفرین است و طبقات بالاتر سعی می‌کنند آن‌ها را به عنوان یک مزیت برای فرزندان‌شان حفظ کنند. امروزه تحقیق‌های زیادی در زمینه اهمیت نقش زمینه‌های خانوادگی و سطح سواد و دانش در پر کردن شکاف‌های دیجیتال انجام شده است. (Wang, 1996; 123-129; Meng & Hsieh, 2013)

اوبلاک کرنیک (2013) در مقاله‌ای با عنوان "طبقه و چشم‌اندازهای فرهنگی و موانع دیجیتال"، در اسلوانی به دنبال افرادی بود که از دنیای دیجیتال بی‌خبر بودند. وی در پی بررسی این بود که چه عواملی سبب جدایی میان این افراد و ابزارهای جدید دیجیتال شدند. او تلاش کرد، این جدایی را در بستر سایر ساختارهای اجتماعی تبیین کند و از آنجا که این ابزارها، نه یک ابزار فنی صرف که یک پدیده اجتماعی‌اند، متصل به سرمایه فرهنگی و موقعیت طبقاتی افراد و انواع علل مؤثر بر ذائقه‌های فردی و اجتماعی هستند. نکته جالب توجه این تحقیق، در تمرکز گروه مورد مطالعه آن است. اغلب برای مطالعه این موضوع‌ها به سراغ افرادی می‌روند که از این ابزارها استفاده می‌کنند، اما این تحقیق به دنبال کسانی رفت که از این امکانات بی‌خبرند و برای این کار از حدود ۸۲۰ نفر از ساکنان دو شهر بزرگ اسلوانی نظرسنجی کرد.

سینیکا ساسی (Sassi, 2005) در مقاله‌ای که در مجلهٔ رسانهٔ جدید و جامعه دارد، با چهار رویکرد مختلف به مسئلهٔ شکاف دیجیتال پرداخته است و در ذیل یکی از این دیدگاه‌ها به موضوع سرمایهٔ فرهنگی به عنوان یکی از زمینه‌های تفاوت در بهره‌برداری افراد جامعه از سیستم‌های دیجیتال می‌پردازد و معتقد است که با توجه به وضعیت فقر در جهان، به نظر نمی‌رسد که این شکاف به راحتی و به این زودی پر شود.

کامرون، بنت و آگوستینو (2011) در مقاله‌ای به مطالعهٔ سوادآموزی می‌پردازند و تأثیر زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مؤثر را، در استفاده از این ابزارها به همراه تجربه‌های دانش‌آموزان بیان می‌کنند. در این تحقیق تفاوت‌های سرمایه‌ای خانواده‌ها و تأثیرهای آن بر فعالیت‌های آموزشی و فناوری دانش‌آموزان به شکل مستقل تبیین شدند.

گومز (Daniel Calderon Gomez, 2019) نیز در مقالهٔ اخیر خود استفادهٔ جوانان از فناوری‌های دیجیتال را بررسی کرده است. وی به انواع زمینه‌هایی پرداخته که این دسترسی و امکان بهره‌برداری را فراهم می‌کند و منابع فرهنگی را در کنار سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی، عامل مشترک مؤثر در مصرف فناوری اطلاعات توسط جوانان معرفی می‌کند. پابن ورنزولی نیز در زمینهٔ تأثیرهای سرمایهٔ فرهنگی بر توانایی‌های دیجیتال دانش‌آموزان متمرکز شدند و قائل به ارتباط مستقیم میان شاخص سرمایهٔ فرهنگی با افزایش بهره‌مندی از امکانات فناورانه بودند. (Paino & Renzulli, 2013: 124-138)

شعبانی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان “شکاف دیجیتال در جامعهٔ جهانی” ابعاد مختلف مؤثر بر تمایزات گروه‌هایی که امکان بهره‌برداری بیشتر از فناوری‌های دیجیتال دارند را، با گروه‌های محروم و یا کمتر برخوردار، بررسی کرده است. وی در این مقاله در کنار موضوع‌های توزیع امکانات کشوری و تمایزات آمایشی، به ابعاد فرهنگی همچون سواد و محرومیت‌های آموزشی پرداخته و آنها را در زمرهٔ علل مؤثر بر استفاده و عدم استفاده از امکانات فناورانه معرفی کرده است. افشارکهن و زمانی (۱۳۸۸) نیز مطالعه‌ای در این موضوع داشتند و در آن به مسئلهٔ پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین پرداختند. آنها سطح تحصیلات والدین را که یک شاخص سرمایهٔ فرهنگی شناخته می‌شود، به عنوان زمینهٔ مشخص در تمایز میان گروه‌های مختلف جوانان از لحاظ بهره‌مندی از این امکانات، معرفی کردند.

در شمارهٔ ۱۸ مجلهٔ رهاورد نو در سال ۱۳۸۶، مقاله‌ای با عنوان “راهبردهای کاهش شکاف دیجیتال” به چاپ رسید که نویسندهٔ آن نامشخص است. در این مقاله به بررسی زمینه‌هایی که برای افزایش عدالت در دسترسی همهٔ اقشار جامعه به امکانات فناورانه، راه‌گشا هستند توجه شد. این مقاله بیشتر توجه خود را حول دو محور متمرکز کرد؛ نخست توسعهٔ امکانات مادی که ناظر بر بحث‌های تسهیلات اقتصادی در ابعاد ملی و بین‌المللی است و دوم راهکارهای گسترش فرهنگ استفاده از این امکانات که با ترتیب دادن فرصت‌های آموزشی امکان‌پذیر خواهد بود.

روشندل اربطانی، کاظمی و حاج اسماعیلی (۱۳۹۳) در مقالهٔ “عوامل تعیین‌کنندهٔ شکاف دیجیتال”،

دو عامل اقتصادی - زیرساختی (به شکل مستقیم) و فرهنگی (به شکل غیر مستقیم) را زمینه این نابرابری معرفی و البته تأکید می‌کنند که عامل فرهنگی به مراتب مهم‌تر از عامل نخست است. همین‌طور در این زمینه باید به مقاله‌های اسفندیاری مقدم (۱۳۸۶) و منصوریان (۱۳۹۱) اشاره کرد که با تأکید بر اهمیت موضوع بهره‌مندی از فناوری اطلاعات، بر نقش کتابداران و کتابخانه‌ها در حل این موضوع تأکید کرده‌اند. در این مقاله‌ها راهکار کاهش بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جهانی، افزایش سرمایه فرهنگی اقشار مختلف جامعه، با دسترسی بیشتر به این امکانات معرفی شده است.

با توجه به پیشینه‌های تحقیقی که مورد مطالعه قرار گرفت، در کل نظرها و کارهای صورت گرفته را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: گروهی که قائل به شناخت زمینه‌های تمایز در بهره‌مندی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی هستند و گروهی که عوامل این تمایز را پیچیده‌تر از این می‌دانند که آن را بتوان با یک یا چند شاخص محدود تبیین کرد.

## چارچوب نظری

مهم‌ترین ویژگی جامعه مدرن، در نظر گرفتن ساختارهای عینی در کنار توجه به تجربه‌ها و توانایی‌های ذهن است (Santoro, 2011: 3-23)، در سال‌های اخیر، نظریه‌های بوردیو که به مفاهیمی مانند سرمایه توجه می‌کند، وارد حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات شده است که گاهی در اصطلاح آن را "جامعه‌شناسی دیجیتال" نیز می‌نامند. این امر جز به سبب قدرت آثارش در تمرکز همزمان بر امور ذهنی و عینی ممکن نشد.

(Deniels, Gregory & Cottom, 2016; Orton-Johnsoh & Prior, 2013; Lupton, 2014; Ignatow & Robinson, 2017: 950-966)

توجه بوردیو به مفهوم سرمایه فرهنگی، در حقیقت ناشی از اهمیتی است که او به میدان‌های مختلف عمل، در جامعه می‌دهد. به زعم بوردیو، برخی از افراد جامعه بیشتر و برخی کمتر برخوردارند. اما این برخورداری فقط اقتصادی نبوده و ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز دارد. میدان‌ها، عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی‌اند که افراد بر اساس داشته‌های خود و با میانجیگری نهادی مانند مدرسه، در آن به کُنشگری می‌پردازند. (رضایی و تشویق ۱۳۹۲: ۳۵ - ۹)، میدان، یک استعاره فضایی است که کار بوردیو را از دیگران متمایز می‌کند. علاقه به نیروها، پویایی و فرایندها را جایگزین جامعه‌شناسی ایستا و دسته‌ها و گروه‌ها می‌کند (Savage & Silva, 2013: 111-126). پس میدان، عرصه رقابت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است و سرمایه فرهنگی در این میدان کُنشگری دارد. (Zeng, 2018)

مفهوم دیگر کار بوردیو، عادت‌واره است. او درباره عادت‌واره این‌طور می‌گوید: «عوامل اجتماعی، واقعیت‌های اجتماعی را به صورت فردی و جمعی ایجاد می‌کند... ساختارهای ذهنی ناخودآگاه که کار ساختن را انجام می‌دهند... محصول یک روند طولانی، آهسته و ناخودآگاهانه از ترکیب ساختارهای عینی هستند.» (Bourdieu, 1996: 29). در واقع عادت‌واره، سبک‌ها و ارزش‌هایی است

که در هر یک از سطوح جامعه برقرار است. برای مثال فردی که در یک خانواده طبقه کارگر است، به دلیل دستیابی‌ها و امکاناتی که در اختیار دارد (این امکانات ممکن است سطح تحصیلات و دانش خانواده باشد، می‌تواند ابزارهای فناورانه باشد و محیط‌هایی که با آنها در ارتباط دائم است و ...) نوع خاصی از ذائقه را پیدا می‌کند که به مجموع اینها، در طول زندگی این فرد عادت‌واره گفته می‌شود. در حقیقت، بوردیو تلاش کرد تا دیدگاه‌های طبقاتی مارکس را با گروه‌های منزلتی و سیاسی و بر درهم بیامیزد (ترنر، ۱۳۹۴: ۷۱۸). اما برای درک بهتر دیدگاه بوردیو از طبقه، به سراغ انواع سرمایه از نظر بوردیو خواهیم رفت. بوردیو، بر خلاف مارکس، معتقد است که ساختارهای جامعه پیچیده‌تر از آن هستند که بتوان آن را در یک چارچوب محض اقتصادی تعریف کرد، از این رو او چهار نوع گوناگون سرمایه را معرفی می‌کند:

### جدول ۱. تعریف انواع سرمایه

سرمایه	تعریف	منبع
سرمایه اقتصادی	هرگونه پول و مادیات که می‌تواند برای تولید کالا و خدمات استفاده شود. بوردیو همچنین این نوع سرمایه را، سرمایه بنیادین می‌داند که سایر انواع سرمایه از آن تأثیر می‌پذیرند.	(نجفی، شرف‌الدین ۱۳۹۴: ۹۰-۷۷؛ ترنر، ۱۳۹۴: ۷۱۹)
سرمایه اجتماعی	ناظر بر روابط اجتماعی افراد و جایگاه‌هایی است که افراد در شبکه روابط دارند. این نوع سرمایه به روابطی اشاره دارد که تا حدودی از آشنایی‌های متقابل و به رسمیت شناخته شده نهادینه می‌شوند.	(ترنر، ۱۳۹۴: ۷۱۹؛ بوردیو و واکوانت ۱۹۹۲: ۱۱۹)
سرمایه فرهنگی	مجموعه‌ای از دانش‌ها و معلومات، امتیازها و موفقیت‌ها، سلیق زبانی و رفتاری پایدار و خلاصه سبک‌های زندگی شخصی افراد است که مبتنی بر شرایط خانوادگی و در دوران جامعه‌پذیری فرد در آنها نهادینه می‌شود.	(بوردیو ۱۹۸۶: ۱۳۹۴؛ صالحی امیری ۷۱۹: ۱۳۸۶؛ نجفی، ۱۳۹۴: ۹۰-۷۷)
سرمایه نمادین	بوردیو در تعریف این مفهوم از مفاهیم مشروعیت و کاریزماتیک بهره می‌برد. این نوع از سرمایه در حقیقت جهت مشروعیت بخشیدن به تقسیم‌بندی‌های متفاوت میزان مالکیت انواع دیگر سرمایه که در دست گروه‌های مختلف قرار دارد به کار گرفته می‌شود.	(قاسمی و نامدار جویی ۱۳۹۳: ۱۳۹۴؛ ترنر ۱۳۹۴: ۷۱۹)

بوردیو با پیشنهاد مفهوم سرمایه فرهنگی، برای رفتارهای فرهنگی نقش تعیین‌کننده قائل شد. (Bourdieu & Passeron, 1979: 14) سرمایه فرهنگی دو بُعد دارد:

### ۱. سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته یا ملموس

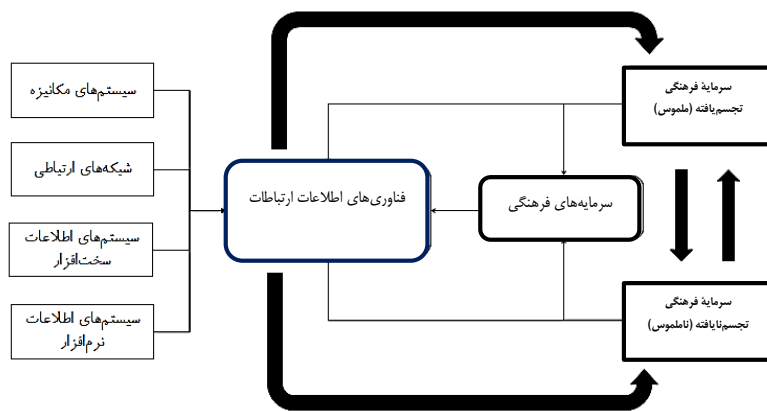
این نوع سرمایه، شامل بناها، مکان‌ها، آثار هنری و هر چیزی که به شکل عینی وجود دارد می‌شود. میراث فرهنگی نیز جزئی از این سرمایه فرهنگی ملموس به شمار می‌آید. برای مثال یک اثر تاریخی را در نظر بگیرید. این نوعی از سرمایه فرهنگی است که می‌تواند با خود به شکل مستقیم مواهب اقتصادی را همراه داشته باشد.



## ۲. سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و یا ناملموس

این نوع از سرمایه، به شکل عینی وجود ندارد. ایده‌ها، ارزش‌ها، افکار و عقاید را می‌توان در زمره این دسته از سرمایه‌های فرهنگی قرار داد. مناسبات این دسته از سرمایه‌های فرهنگی با سرمایه اقتصادی متفاوت از دسته نخست است. برای مثال زبان، ادبیات و موسیقی یک فرهنگ را نمی‌توان با معیارهای اقتصادی سنجید؛ اما می‌توان با ترکیب و فراوری آن‌ها از موهبات اقتصادی آن‌ها نیز بهره برد. برای مثال رستورانی که از موسیقی استفاده می‌کند. یا فروش حق امتیازهای آثار ادبی و هنری از جمله روابط غیر مستقیم سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی هستند. (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۷۱-۶۹)

اما بوردیو مفهوم سرمایه فرهنگی را در مطالعه آموزش و روابط طبقاتی مرتبط با آن به کار گرفت. او با استفاده از این مفهوم در پی تبیین محرومیت‌ها و همین‌طور موفقیت و عدم موفقیت گروه‌های مختلف دانش‌آموزان است (Bourdieu & Passeron, 1979: 14). او معتقد بود که دانش‌آموزان طبقات مختلف، بالطبع با سرمایه‌های فرهنگی مختلف وارد مدارس می‌شوند و تطابق و عدم تطابق آنها با سیستم‌های آموزشی ناشی از توزیع سرمایه فرهنگی در طبقات مختلف جامعه است (Bourdieu, 1986: 47). شاخص‌های سرمایه‌های فرهنگی که بوردیو برای طبقه‌های متوسط و بالا در نظر می‌گرفت، شامل ارتباط آنها با دانش روز، استفاده از امکانات فرهنگی مانند سینما، تئاتر، اپرا و توسعه مهارت‌های خاص و از این دست موضوع‌ها بود. (Katsillis & Rubinson, 1990: 70-79; Janssen & Ultee, 1994: 400-419). اما به مرور زمان، شاخص‌ها تغییر می‌کنند. در دنیای امروز، یکی از بارزترین شاخص‌ها برای سرمایه فرهنگی، که در این تحقیق نیز به دنبال سنجش ارتباط آنها در محیط اجتماعی خود هستیم، می‌تواند فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات باشد. علاوه بر این دیگر مهارت‌هایی که سبب رشد دانش مهارت‌های جوانان می‌شود به سینما و اپرا و تئاتر و .. مرتبط نیست. همان‌طور که پیش‌تر نیز آمد، امروزه یکی از مهم‌ترین ابزارهای رشد مهارت و دانش، ابزارهای فناورانه است. به نظر می‌رسد محرومیت از این امکانات، شرایط را برای رشد تحصیلی محدود می‌کند. (Broos, 2006)



نمودار ۱. مدل نظری پژوهش

## روش پژوهش

ابزار گردآوری داده‌های این پژوهش پرسشنامه مقطعی است که سؤال‌های آن به صورت بسته طرح شده است. در واقع پرسش بسته پرسشی است که پاسخ آن در چند گزینه ارائه شده و پاسخگو باید یک یا چند گزینه را برگزیند. در این تحقیق ابتدا نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و از آنها خواسته شد به پرسشنامه‌ها پاسخ داده و آن را تکمیل کنند. بعد از برآورد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه، شهر رشت به سه منطقه ثروتمندنشین، متوسط و فقیر تقسیم و نواحی به صورت تصادفی انتخاب شد، سپس با مصاحبه پرسشنامه تکمیل شد. جامعه آماری مطالعه شده، کلیه افراد بین ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر رشت است. با استفاده از فرمول متغیر دو ارزشی کوکران، حجم نمونه ۳۸۵ نفر به دست آمد. با توجه به اینکه ممکن است در مطالعه تعدادی نمونه در دسترس نداشته باشیم و همچنین برای بالا بردن سطح تعمیم پذیری، تعداد آن را به ۴۰۰ نفر افزایش دادیم.

پایایی با قابلیت اعتماد عبارت است از اینکه موضوع واحدی چندین بار با روش خاصی بررسی شود و هر بار نتایج یکسانی به دست آید (ببی، ۱۳۸۱: ۲۶۷). به عبارت دیگر یک روش یا ابزار اندازه‌گیری زمانی پایایی دارد که در دفعات بعدی بررسی و در صورت استفاده از روش مشابه، به نتایج مشابه دست پیدا کند. بدین ترتیب در این پژوهش پس از تهیه و تدوین شاخص‌ها و طراحی صورت اولیه پرسشنامه، مطالعه‌ای مقدماتی انجام گرفت. هدف این مطالعه مقدماتی، تعیین میزان پایایی شاخص‌ها، اصلاح و نهایی کردن پرسشنامه پژوهش بود. بخش عمده این مطالعه مقدماتی روی یک نمونه ۳۰ نفری از شهروندان نواحی مختلف شهر رشت بود. پس از تکمیل پرسشنامه‌های یادشده کدگذاری شد و پایایی شاخص‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS، روش انسجام درونی و ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شد.

### جدول ۲. آزمون پایایی آلفای کرونباخ

نام متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
سرمایه فرهنگی	۲۷	۰.۸۴
شبکه‌های ارتباطی	۸	۰.۸۵
سیستم‌های مکانیزه	۶	۰.۷۲
سیستم‌های اطلاعات سخت‌افزار	۸	۰.۸۱
سیستم‌های اطلاعات نرم‌افزار	۸	۰.۸۱

پایایی مقیاس سرمایه فرهنگی، با توجه به سه بُعد آن (۲۷ گویه) بر اساس انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰.۸۴ درصد به دست آمد، پس می‌توان گفت چون این عدد از ۰.۷۰ درصد بیشتر است، سؤال‌های این متغیر تأیید شده و پایایی آن قابل قبول است. پایایی مقیاس شبکه‌های ارتباطی (۸ گویه) بر اساس انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰.۸۵ درصد به دست آمد، پس می‌توان گفت چون این عدد از ۰.۷۰ درصد بیشتر است، سؤال‌های متغیر تأیید شده و پایایی آن قابل قبول است. پایایی مقیاس سیستم‌های

مکانیزه (۶گویه) بر اساس انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۷۲ درصد محاسبه شد که می توان گفت چون این عدد از ۷۰ درصد بیشتر است، سؤال های متغیر تأیید شده و پایایی آن قابل قبول است. پایایی مقیاس سیستم های اطلاعات سخت افزار (۸گویه) بر اساس انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۸۱ درصد به دست آمد، پس می توان گفت چون این عدد از ۷۰ درصد بیشتر است، سؤال های متغیر تأیید شده و پایایی آن قابل قبول است. پایایی مقیاس سیستم های اطلاعات نرم افزار (۸گویه) بر اساس انسجام درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۸۱ درصد محاسبه شد که می توان گفت چون این عدد از ۷۰ درصد بیشتر است، سؤال های متغیر تأیید شده و پایایی آن قابل قبول است.

### یافته های پژوهش

جدول ۳ توزیع کل پاسخگویان به تفکیک جنسیت را نشان می دهد. در این گویه، تمام افراد جنسیت خود را اعلام کردند. در این پژوهش، مردان ۶۱/۵ درصد (۲۴۶ نفر) از جمعیت نمونه و زنان ۳۸/۵ درصد (۱۵۴ نفر) از آن را شامل می شوند.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	درصد
مرد	۲۴۶	۶۱/۵
زن	۱۵۴	۳۸/۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰

با توجه به جدول ۴، مشخص می شود که پاسخگویان به تمام سؤال های پاسخ دادند و جواب از دست رفته ای نداشتیم. در این پرسشنامه، ۳۸ درصد پاسخگویان در مقطع دیپلم و ۱۶ درصد در مقطع کاردانی، ۳۷ درصد کارشناسی، ۸ درصد کارشناسی ارشد و ۲ درصد دکتری و بالاتر قرار دارند. بدین ترتیب بالاترین فراوانی متعلق به مقطع لیسانس با ۱۴۸ نفر است و کمترین فراوانی متعلق به مقطع دکتری و بالاتر است که ۹ فراوانی را شامل می شود.

جدول ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب مدرک تحصیلی

سطح تحصیلات	تعداد	درصد	درصد تجمعی
دیپلم	۱۴۴	۳۸	۳۸
کاردانی	۶۷	۱۶/۱۸۶	۵۴/۱۸
کارشناسی	۱۴۸	۳۷	۹۱/۱۸
کارشناسی ارشد	۳۲	۸	۹۹/۱۸
دکتری	۹	۰/۲۲	۱۰۰
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰	-

با توجه به جدول ۵، سرمایه فرهنگی به دست آمده توصیف می شود. جدول ۵ آماره های توصیفی میزان سرمایه فرهنگی را نشان می دهد که نمره میانگین این متغیر ۲/۶۳ و میانه آن ۲/۶۰ است. همچنین دامنه تغییرات ۰/۵۹ است.

**جدول ۵. آماره توصیفی سرمایه فرهنگی**

متغیر	میانگین	میانه	واریانس	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	دامنه	چولگی	کشیدگی
سرمایه فرهنگی	۲/۶۳	۲/۶۰	۰/۲۴	۰/۴۹	۱/۳۸	۴/۴۱	۰/۵۹	۰/۵۸	۰/۹۰

**جدول ۶. توزیع فراوانی سرمایه فرهنگی**

سرمایه فرهنگی	تعداد	درصد
کم	۳۳	۸
متوسط	۲۸۲	۷۱
زیاد	۸۵	۲۱
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰

جدول ۷، آماره های توصیفی میزان فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی را نشان می دهد که میانگین نمره این متغیر ۳/۹۳ و میانه آن ۳/۹۸ است. همچنین دامنه تغییرات ۳/۵۰ است.

**جدول ۷. آماره توصیفی استفاده از فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی**

متغیر	میانگین	میانه	واریانس	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	دامنه	چولگی	کشیدگی
فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی	۳/۹۳	۳/۹۸	۰/۲۵	۰/۵۰	۲/۰۳	۵/۵۳	۳/۵۰	۰/۴۲	۰/۴۸

**جدول ۸. توزیع فراوانی فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی**

فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی	تعداد	درصد
کم	۱۳	۳
متوسط	۱۸۷	۴۷
زیاد	۲۰۰	۵۰
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰

توزیع کل پاسخگویان برحسب تفکیک جنسیت افراد و میزان سرمایه فرهنگی بر اساس یافته‌های جدول ۹ مشاهده می‌شود که از کل پاسخگویان مرد ۸/۱ درصد آنها سرمایه فرهنگی کم، ۷۱/۵ درصد سرمایه فرهنگی متوسط و ۲۰/۳ درصد سرمایه فرهنگی زیاد دارند. همچنین از کل پاسخگویان زن ۸/۴ درصد سرمایه فرهنگی کم، ۶۸/۸ درصد سرمایه فرهنگی متوسط و ۲۲/۷ درصد سرمایه فرهنگی زیاد دارند.

**جدول ۹. توصیف دو بعدی به تفکیک جنسیت و سرمایه فرهنگی**

کل	سرمایه فرهنگی			جنسیت	
	زیاد	متوسط	کم		
۲۴۶	۵۰	۱۷۶	۲۰	مرد	فراوانی
%۱۰۰	%۲۰/۳	%۷۱/۵	%۸/۱	درصد	
%۶۱/۵	%۵۸/۸	%۶۲/۴	%۶۰/۶	سرمایه	
۱۵۴	۳۵	۱۰۶	۱۳	زن	فراوانی
%۱۰۰	%۲۲/۷	%۶۸/۸	%۸/۴	درصد	
%۳۸/۵	%۴۱/۲	%۳۷/۶	%۳۹/۴	سرمایه	
۴۰۰	۸۵	۲۸۲	۳۳	کل	فراوانی
%۱۰۰	%۲۱/۳	%۷۰/۵	%۸/۳	درصد	
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	سرمایه	

## آزمون فرضیه‌ها

**فرضیه نخست:** به نظر می‌رسد میزان سرمایه فرهنگی بر میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان تأثیر دارد.

بر اساس نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر برابر است با ۰/۲۰ و در فاصله اطمینان ۰/۹۵ درصد سطح معناداری برابر (۰/۰۰۰) نشان‌دهنده رابطه متوسط و مستقیم بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی است.

**جدول ۱۰. ضریب همبستگی پیرسون**

فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی	سرمایه فرهنگی همبستگی	
۰/۲۰۹	۱	سرمایه فرهنگی همبستگی
۰/۰۰۰		سطح معناداری (Sig)
۴۰۰		تعداد
۱	۰/۲۰۹	فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی
	۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig)
۴۰۰	۴۰۰	تعداد

Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول ۱۱. مدل بررسی شده

مدل	R	R <sup>2</sup>	R تعدیل شده	خطای استاندارد
۱	۰/۲۰۹	۰/۰۴۴	۰/۰۴۱	۰/۴۹۳۵۴

a. Predictors: (Constant), s

Cultural Capital

به میزان  $R^2=0,04$  می توان متغیر وابسته را پیش بینی کرد.

جدول ۱۲. آزمون ANOVA

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی (df)	میانگین مجزورات	f	سطح معناداری (sig)
رگرسیون	۴/۴۵۰	۱	۴/۴۵۰	۱۸/۲۹۶	۰/۰۰۰
پس ماند	۹۶/۹۴۵	۳۹۸	۰/۲۴۴		
کل	۱۰۱/۳۹۵	۳۹۹			

a. Predictors: (Constant), s Cultural Capital

b. Dependent Variable فنآوری های ارتباطی و اطلاعاتی

جدول ۱۲، با توجه به نتایج آزمون ANOVA با آزمون f میزان  $f=18.26$  با درجه آزادی  $df=1$  در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سطح معنی داری  $0,000$ ، فرضیه  $H_0$  رد و  $H_1$  (فرضیه پژوهشگران) تأیید می شود و متغیر مستقل توانایی پیش بینی متغیر وابسته را دارد؛ یا متغیر مستقل توانایی تفسیر متغیر وابسته را دارد.

جدول ۱۳. ضریب رگرسیونی

سطح معناداری (Sig)	T	ضریب استاندارد شده	ضریب استاندارد نشده		مدل ۱
			خطا	ضریب B	
۰/۰۰۰	۲۴/۸۷۲	۰/۲۰۹	۰/۱۳۵	۳/۳۶۰	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۴/۲۷۴		۰/۰۵۱	۰/۲۱۶	سرمایه فرهنگی

a Dependent Variable: t فنآوری های ارتباطی و اطلاعاتی

جدول ۱۳ ضریب رگرسیونی سرمایه فرهنگی و فنآوری های ارتباطی و اطلاعاتی را نشان می دهد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر  $r=0.20$  و سطح معناداری  $0,000$  است و چون این رقم مثبت است

نشان می دهد رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود دارد، یعنی هرچه میزان سرمایه فرهنگی بالا رود، میزان استفاده از فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی نیز افزایش می یابد. بنابراین، فرضیه H0 رد و H1 (فرضیه پژوهشگران) تأیید می شود؛ یعنی متغیر مستقل توانایی پیش بینی متغیر وابسته را دارد.

**فرضیه دوم:** به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی متجسم و استفاده از فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان رابطه وجود دارد.

**جدول ۱۴. ضریب همبستگی**

فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی	سرمایه فرهنگی متجسم همبستگی	
۰/۱۱۱	۱	سرمایه فرهنگی متجسم همبستگی
۰/۰۲۶		سطح معناداری (sig)
۴۰۰	۴۰۰	تعداد
۱	۰/۱۱۱	فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی همبستگی
	۰/۰۲۶	سطح معناداری (sig)
۴۰۰	۴۰۰	تعداد

Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

در جدول ۱۴ براساس نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۰/۱۱ در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سطح معناداری ۰/۰۲ به دست آمد؛ یعنی با اطلاعات موجود فرضیه H0 رد و H1 (فرضیه پژوهشگران) تأیید می شود. شدت رابطه ضعیف و جهت رابطه مستقیم است، یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می یابد.

**فرضیه سوم:** به نظر می رسد بین سرمایه فرهنگی غیر متجسم استفاده از فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان رابطه وجود دارد.

**جدول ۱۵. ضریب همبستگی پیرسون**

فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی	سرمایه فرهنگی غیر متجسم همبستگی	
۰/۲۲۷	۱	سرمایه فرهنگی غیر متجسم همبستگی
۰/۰۰۰		سطح معناداری (sig)
۴۰۰	۴۰۰	تعداد
۱	۰/۲۲۷	فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی همبستگی
	۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)
۴۰۰	۴۰۰	تعداد

Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

در جدول ۱۵ بر اساس نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۰/۲۲ در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سطح معناداری ۰/۰۰۰ است؛ یعنی با اطلاعات موجود فرضیه H0 رد و H1 (فرضیه پژوهشگران) تأیید می‌شود. شدت رابطه متوسط و جهت رابطه مستقیم است یعنی با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد.

**فرضیه چهارم:** به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی غیر متجسم و استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان رابطه وجود دارد.

**جدول ۱۶. ضریب همبستگی پیرسون**

فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی	سرمایه فرهنگی غیر متجسم همبستگی	
۰/۱۸۶	۱	سرمایه فرهنگی غیر متجسم همبستگی
۰/۰۰۰		سطح معناداری (sig)
۴۰۰	۴۰۰	تعداد
۱	۰/۱۸۶	فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی همبستگی
	۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)
۴۰۰	۴۰۰	تعداد

Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

در جدول ۱۶ بر اساس نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۰/۱۸ در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سطح معناداری ۰/۰۰۰ است؛ یعنی با اطلاعات موجود فرضیه H0 رد و H1 (فرضیه پژوهشگران) تأیید می‌شود. شدت رابطه ضعیف و جهت رابطه مستقیم است یعنی با افزایش یکی، دیگری افزایش می‌یابد.

**فرضیه پنجم:** به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در میان دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد.

**جدول ۱۷. آزمون t مستقل**

آزمون t برای همگنی میانگین‌ها			آزمون برای همگنی واریانس					متغیر	
فاصله اطمینان ۹۵ درصد	خطای استاندارد		تفاوت میانگین	سطح معناداری (sig)	درجه آزادی (df)	مقدار t	Sig		F
	پایین ترین	بالا ترین							
۰/۰۰۰۸۳۵	۰/۲۱۱۱۲	۰/۰۵۱۵۷	۰/۱۰۹۷۴	۰/۰۳۴	۳۹۸	۰/۱۲۸	۰/۱۶۵۰	۱/۹۳۱	سرمایه فرهنگی همگن
۰/۰۱۰۷۹	۰/۲۰۸۶۸	۰/۰۵۰۳۱	۰/۱۰۹۷۴	۰/۰۳۰	۳۵۰/۸۶۰	۰/۱۸۱			سرمایه فرهنگی ناهمگن



با توجه به نتایج  $t$  مستقل، در جدول ۱۷، ابتدا به آزمون همگنی واریانس (Leven) می پردازیم، به دلیل اینکه سطح معناداری ۰/۱۶ است، واریانس برابر و همگن فرض می شود. پس در تفسیر آزمون  $t$  مستقل باید به تفسیر پردازیم که واریانس ها برابر فرض شده اند. نتایج آزمون بیانگر آن است که میزان  $r=2.128$  با درجه آزادی  $df=398$  در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سطح معناداری ۰/۰۳ است، یعنی با اطلاعات موجود فرضیه  $H_0$  رد و  $H_1$  (فرضیه پژوهشگران) تأیید می شود؛ به عبارت دیگر میزان مصرف فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی در میان دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد.

**فرضیه ششم:** میزان استفاده از فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی در بین دو گروه از شهروندان با تحصیلات بالا و پایین تفاوت معناداری وجود دارد.

**جدول ۱۸. آزمون  $t$  مستقل**

متغیر	آزمون برای همگنی واریانس								
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری (sig)	درجه آزادی (df)	مقدار $t$	Sig	F	
	پایین ترین	بالاترین							
فناوری های همگن	-۰/۰۰۶۱۲	۰/۱۹۱۷۹	۰/۰۵۰۳۴	-۰/۰۹۲۸۳	۰/۰۶۶	۳۹۸	-۱/۸۴۴	۰/۰۰۰	۱۴/۳۶۵
فناوری های ناهمگن	-۰/۰۰۵۰۶	۰/۱۹۰۷۳	۰/۰۴۹۷۹	-۰/۰۹۲۸۳	۰/۰۶۳	۳۹۴/۹۲۷	-۱/۸۶۴		

با توجه به نتایج  $t$  مستقل، در جدول ۱۸، ابتدا به آزمون همگنی واریانس (Leven) می پردازیم. به دلیل اینکه سطح معناداری ۰/۰۰۰ است، پس واریانس ناهمگن فرض می شود. بنابراین در تفسیر آزمون  $t$  مستقل، باید به تفسیر  $t$  پردازیم که واریانس ها ناهمگن فرض شده اند، نتایج آزمون بیانگر آن است که میزان  $t=-1.864$  با درجه آزادی  $df=394/927$  در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سطح معناداری ۰/۰۶ است. یعنی با اطلاعات موجود فرضیه  $H_0$  تأیید و  $H_1$  (فرضیه پژوهشگر) رد می شود. به عبارت دیگر در میزان مصرف فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی، میان دو گروه با تحصیلات بالا و پایین، تفاوت معناداری وجود ندارد.

**فرضیه هفتم:** میزان سرمایه فرهنگی در بین دو گروه از شهروندان با تحصیلات بالا و پایین تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون  $t$  مستقل یا دو گروه مستقل به صورت زیر است: در خروجی جدول ۱۹ آزمون همگنی واریانس را مشاهده کرده و سپس آزمون  $t$  را تفسیر می کنیم.

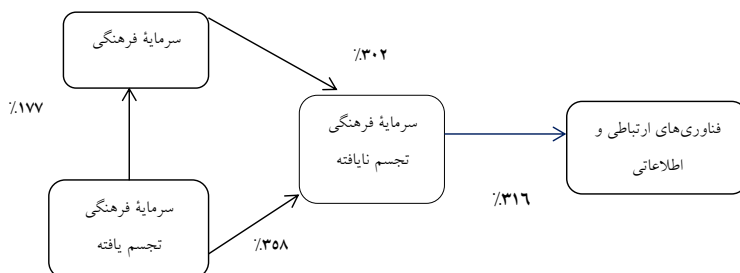
جدول ۱۹. آزمون t مستقل

آزمون t برای همگنی میانگین‌ها		آزمون برای همگنی واریانس						متغیر	
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		خطای استاندارد	تفاوت میانگین	سطح معناداری (sig)	درجه آزادی (df)	مقدار t	Sig		F
پایین ترین	بالا ترین								
۰/۱۱۴۵۸	۰/۳۰۲۶۶	۰/۰۴۷۸۳	۰/۲۰۸۶۲	۰/۰۰۰	۳۹۸	-۴/۳۶۱	۰/۹۴۴	۰/۰۰۵	سرمایه فرهنگی همگن
۰/۱۱۴۴۵	۰/۳۰۲۷۹	۰/۰۴۷۹۰	۰/۲۰۸۶۲	۰/۰۰۰	۳۹۰/۸۲۹	-۴/۳۵۶			سرمایه فرهنگی ناهمگن

با توجه به نتایج t مستقل ابتدا به آزمون همگنی واریانس (Leven) است می‌پردازیم و چون سطح معناداری ۰/۹۴ است، واریانس برابر و همگن فرض می‌شود. پس در تفسیر آزمون t مستقل باید به تفسیر t بپردازیم که واریانس‌ها برابر و همگن فرض شده‌اند. نتایج آزمون بیانگر آن است که میزان  $t = -4.361$  با درجه آزادی  $df = 398$  در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سطح معناداری ۰/۰۰۰ است، یعنی با اطلاعات موجود فرضیه  $H_0$  رد و  $H_1$  (فرضیه پژوهشگران) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر میزان سرمایه فرهنگی میان دو گروه با تحصیلات بالا و پایین تفاوت وجود دارد.

### مدل تحلیل مسیر

مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی تجسم یافته به صورت مستقیم بر سرمایه فرهنگی (۰/۱۷۷) و بر سرمایه فرهنگی تجسم نیافته (۰/۳۵۸) تأثیر دارد. سرمایه فرهنگی نیز به صورت مستقیم بر سرمایه فرهنگی تجسم نیافته (۰/۳۰۲) مؤثر است. از طرف دیگر سرمایه فرهنگی تجسم نیافته بر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی تأثیر مستقیم دارد (۰/۳۱۶). از این مدل می‌توان دریافت که سرمایه فرهنگی و تجسم یافته بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تأثیر غیرمستقیم بر سرمایه فرهنگی تجسم نیافته دارند (شکل ۱).



شکل ۱. مدل تحلیل مسیر

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رشد و تحکیم سرمایه فرهنگی بر تمایلات، رفتارها و گرایش‌هایی دلالت دارد که برای ایجاد نهادهای جامعه مدنی و جهت‌گیری‌های اخلاقی، دموکراسی مدرن اهمیت و ضرورت دارد. رشد سرمایه فرهنگی و فرهنگ مدنی که بر تحمل، عدالت و توازن میان حقوق و تعهدات استوار است، بر استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان مؤثر خواهد بود. هر اندازه افراد در جامعه مدنی مشارکت کرده و تعهد مدنی بالایی داشته باشند، در تعیین سرنوشت خود و جامعه بهتر می‌توانند نقش ایفا کنند و این امر آموختنی است، یعنی افراد یاد می‌گیرند که در سرنوشت خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مشارکت فعالانه داشته باشند.

وقتی سرمایه فرهنگی را در تمرکز و انباشت مختلف کالاهای فرهنگی، توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و همچنین استعداد و ظرفیت افراد در شناخت و کاربرد آنها خلاصه کردیم، شاهد تعاملات مستمر در جهت شکوفایی هر چه بیشتر خلاقیت خواهیم بود؛ که لازمه استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی است.

این پژوهش با بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان، معتقد است که سرمایه فرهنگی موجود در میان اقشار جامعه با میزان استفاده آنها از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی رابطه مستقیم دارد.

به عبارت ساده‌تر، افرادی که تعامل‌های فرهنگی چند جانبه را در محیط زندگی خود تجربه می‌کنند، به شکل روزافزونی از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای تقویت و بهبود شوايط جامعه مدنی خود استفاده می‌کنند؛ همچنین آنها در فعالیت‌های جمعی با جهت‌گیری آگاهانه و فعالانه شرکت می‌کنند.

در مجموع انتظار می‌رود افرادی که سرمایه فرهنگی بالایی دارند، نسبت به جامعه و محیط شهری که در آن زندگی می‌کنند، خود را بیشتر مسئول و متعهد بدانند. در واقع هر اندازه سرمایه فرهنگی موجود در میان شهروندان جامعه بیشتر باشد، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی که مورد استفاده قرار می‌گیرد بیشتر است و به همین جهت تصمیم‌های بهتری در جامعه گرفته می‌شود.

## منابع

- اسفندیاری مقدم، علیرضا (۱۳۸۶)، "پر کردن شکاف دیجیتال تأملی بر نقش کتابداران و اطلاع‌رسانان در هزاره سوم"، فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۴۰.
- افشارکهن، جواد و زهرا زمانی (۱۳۸۸)، "جوانان و شکاف دیجیتالی (با تأکید بر جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر همدان در سال ۱۳۸۸"، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۶.
- بی‌نام (۱۳۸۶)، "راهبردهای کاهش شکاف دیجیتال"، فصلنامه ره‌آورد نو، شماره ۱۸.
- ترنر، جان‌تان‌اچ. (۱۳۹۴)، نظریه‌های نوین جامعه‌شناختی، ترجمه علی‌اصغر مقدس و مریم سروش، جامعه‌شناسان، تهران.

جلائی پور حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۹۴)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، نشر نی، تهران.

رضایی، محمد و فاطمه تشویق (۱۳۹۲)، "بازخوانی سنج‌های سرمایه فرهنگی"، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره ۱.

روشندل اربطانی، طاهر، حسین کاظمی و فهیمه حاج اسماعیلی (۱۳۹۳)، "عوامل تعیین‌کننده شکاف دیجیتالی (مطالعه موردی: شهروندان شهر رفسنجان)"، فصلنامه مدیریت، دوره ششم، شماره ۴.

زلفعی فام، جعفر و هادی آقائی (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر تعهد اجتماعی شهروندان به مسائل شهری (مطالعه موردی تبریز)"، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۱.

شعبانی، احمد (۱۳۸۳)، "شکاف دیجیتالی در جامعه جهانی"، فصلنامه اطلاع‌شناسی، شماره ۶.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، ققنوس، تهران.

قاسمی، یارمحمد و احسان نامدار جویمی (۱۳۹۳)، "بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین فرهنگی (مطالعه ی موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)"، فصلنامه فرهنگ ایلام، دوره پانزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵.

قلی‌زاده، آذر و عباس زمانی (۱۳۹۶)، "مطالعه کیفی چالش‌های شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه در زندگی کاربران"، فصلنامه رسانه، دوره سوم، شماره ۱۰۶.

کریر، گلن و مارتین رویستون (۱۳۹۰)، فرهنگ‌های دیجیتال؛ درک رسانه‌های جدید، ترجمه مرضیه وحدانی. نشر ساقی.

کیان، مریم و زهره قلی‌پور (۱۳۹۵)، "آثار تربیتی شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه بر هویت ملی و دینی دانشجویان"، فصلنامه رسانه، دوره چهارم، شماره ۱۰۳.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۹۳)، جهانی شدن، فرهنگ هویت، نشر نی.

محمودی رجا سیدزکریا، علی حسن توفیق‌یان‌فر، ایمان اکبری و سیدمحمد محمودی (۱۳۹۷)، "بررسی رابطه مصرف رسانه‌های ارتباطی و سرمایه اجتماعی معلمان (مطالعه موردی: معلمان دوره دبیرستان شهر سی سخت)"، فصلنامه رسانه، شماره ۱۱۰.

منصوریان، یزدان (۱۳۹۱)، "ترمیم شکاف دیجیتالی با گسترش خدمات آموزشی و فرهنگی در کتابخانه‌های عمومی"، فصلنامه پژوهش‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی، سال دوم، شماره ۱.

نجفی، حبیب‌الله و سیدحسین شرفی‌الدین (۱۳۹۴)، "هستی‌شناسی سبک زندگی در اندیشه پی‌یر بوردیو"، فصلنامه پرتو خرد، شماره ۹.

Antonio, Amy, & David Tuffley (2014), "The Gender Digital Divide in Developing Countries," *Future Internet* 6 (4).

Bennett, S., Maton, K. & Kerwin, L. (2008), "The 'digital natives' debate: A critical review of the evidence", *British Journal of Educational Technology*, 39.

Bourdieu, P. & J. Passeron (1979), "The Inheritors: French Students and their Relations to Culture", Chicago: University of Chicago Press.

Bourdieu, P. & L. P. D. Wacquant (1992), "An Invitation to Reflexive Sociology", Chicago: University of Chicago Press.

Bourdieu, P., (1996 [1989]), "The State Nobility", Cambridge: Polity Press.

- Bourdieu, Pierre. (1986), "The Forms of Capital." in *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, edited by J. G. Richardson. New York: Greenwood Press.
- British Telecom Report (2004), The digital Divide in 2025: An Independent Study Conducted for BT.
- Broos, A. (2006), *De digitale kloof in de computergeneratie: ICT-exclusie bij adolescenten*, unpublished Phd dissertation, KULeuven, Leuven.
- Cameron, T., Bennett, S. & Agostinho, S. (2011), "ICT literacy and the second digital divide: Understanding students' experiences with technology", In T. Bastiaens & M. Ebner (Eds.), *Proceedings of World Conference on Educational Multimedia, Hypermedia and Telecommunications* Chesapeake, VA: AACE.
- Castaño, Cecilia, Juan Martín & José Luis Martínez (2011), "La Brecha Digital de Género En España y Europa: Medición Con Indicadores Compuestos." *Revista Española de Investigaciones Sociológicas*, Vol. 136.
- Castells, Manuel, (2001), "The Internet Galaxy", New York: Oxford University Press.
- Cho J., de Zuniga, G., Rojas H. & Shah DV (2003), "Beyond access: The digital divide and internet uses and gratifications", *IT & Society*, 1(4).
- Combes, B. (2006), "Techno sarvy or techno oriented: Who are the net generation?" In C. Khoo, D. Singh & A.S. Chaudhry (Eds.), *Proceedings of the Asia-Pacific Conference on Library & Information Education & Practice*, Singapore: School of Communication & Information, Nanyang Technological University.
- Daniel Calderón Gómez (2019), "Technological capital and digital divide among young people: an intersectional approach", *Journal of Youth Studies*.
- Daniels, J., Gregory, K. & Cottom, T. M. (2016), *Digital sociology in everyday life*, Bristol, UK: Policy Press.
- Dubey, P. (2010), "A studies to examine the Digital Divide factors: jammu and Kashmir perspective", *BVICAM's International journal of information technology*.
- Emmison, M. & Frow, J. (1998), "Information Technology as cultural capital", *Australian Universities' Review*, 41(1).
- Gautam, Devendra Kumar. (2014), "Impact of Digital Divide and Public Libraries", *Journal Of Humanities And Social Science*, Volume 19, Issue 12, Ver. IV.
- Gunkel, David, (2003), "Second Thoughts: Toward a Critique of the Digital Divide", *New Media & Society*, 5 (4).
- Harvey, David, (2005), *A Brief History of Neoliberalism*, New York: Oxford University Press.
- Horriagan, John, (2007), "A Typology of Information and Communication Technology".  
<https://doi.org/10.1080/1369118X.2017.1301519>
- Ignatow, Gabe & Robinson, Laura (2017), "Pierre Bourdieu: theorizing the digital, Information", *Communication & Society*, 20:7.
- Janssen J, Ultee, W. (1994), "De cultuur of de centen ... Een nieuwe toetsing van hypothesen over culturele en economische hulpbronnen in de intergenerationele overdracht van onderwijs", *Mens en Maatschappij*, 69(4).
- Katsillis, J. & Rubinson, R. (1990) "Cultural capital, student achievement, and educational reproduction: The case of Greece", *American Sociological Review*, 55(1).
- Kozma, R: ed. (2003), *Technology, Innovation and Educational Change: A Global Perspective*, Eugene, OR: Information Society for Technology in Education (ISTE).
- Livingstone, S. Helsper, E. (2007), "Gradations in digital inclusion: Children, young people, and the digital divide", *New Media & Society*, 9(4).

- Looker, ED. Thiessen, V. (2003), "Beyond the digital divide in Canadian schools: From access to competency in the use of information technology", *Social Science Computer Review*, 21(4).
- Lupton, D. (2014), *Digital sociology*, Oxon, UK: Routledge.
- Meng, Hsiang-Jen, Hsieh, Hsiu-Fang (2013), "Using cultural capital to analyse the digital divide experienced by students living in remote areas", *Global Journal of Engineering Education*, 15(2).
- Oblak Črnič, Tanja (2013), "Slovenian Offline: Class and Cultural Aspects of Digital Exclusion", *Sociologicky časopis/Czech Sociological Review*, 49, 6.
- Orton-Johnson, K. & Prior, N. (2013), *Digital sociology: Critical perspectives*, Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.
- Paino, M. & Renzulli, L. (2013), "Digital dimension of cultural capital: The (in)visible advantages for students who exhibit computer skills", *Sociology of Education*, 86(2).
- Plomp, T. (1997), "Information technology and gender equality: A contradiction in terminis?", *Computers & Education*, 28(2).
- Preksy, M. (2001), "Digital natives, digital immigrants", *On the Horizon*, 9(5).
- Rešta, P. Laferrière, T. (2008), *Issues and challenges related to digital equity*, In: Voogt J, Knezek G (eds) International Handbook of Information Technology in Primary and Secondary Education. Berlin, Heidelberg and New York: Springer.
- Santoro, M. (2011), "From Bourdieu to Cultural Sociology", *Cultural Sociology*, 5(1).
- Sassi, S. (2005), "Cultural differentiation or social segregation? Four approaches to the digital divide", *New Media & Society*, 7(5).
- Savage, M. & Silva, E. (2013), "Field analysis in cultural sociology", *Cultural Sociology*, 7(2).
- Selwyn, N. (2004), "Reconsidering political and popular understandings of the digital divide", *New Media & Society*, 6(3).
- Smith, Aaron (2010), "Home Broadband (2010)." Pew Internet and American Life Project. Retrieved April 13, 2011.
- Sparks, Colin, (2013), "What Is the "Digital Divide" and Why Is It Important?" *Javnoš/ The Public*, 20 (2).
- Tapscott, D. (1998), *Growing up digital: the rise of the Net generation*, New York: McGraw-Hill.
- Tondeur, J., Sinnaeve, I., Houtte, M. van & Braak, J. van. (2011), "ICT as cultural capital: The relationship between socioeconomic status and the computer-use profile of young people", *New Media & Society*, 13(1).
- Wang, K.H.(1996), *Learning Psychology. Taipei*: Laureate Book Co., Ltd. (1996).
- Wellman, Barry, (2004), "The three ages of internet studies: ten, five and zero years ago." *New Media & Society*, 6(1).
- Witte, James C. & Susan E. Mannon (2010), *The Internet and Social Inequalities*, New York: Routledge.
- Zeng, Y. (2018), "Morphology and typology of China correspondents: A habitus-based approach", *Journalism*.